

نهادهای اجتماعی و همبستگی ملی

نویسنده: سید حسین حسینی

http://www.isca.ac.ir/index.php?option=com_content&task=view&id=92

چکیده

نهادهای اجتماعی اصطلاحی است جامعه شناختی، که به ساخت و ساختن پردوام از الگوهای رفتاری، نقش ها و تعاملات انسانی اجتماعی اطلاق می شود، که بنا به ضرورت و نیاز اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جوامع شکل گرفته و با ویژگی هایی چون هدفمندی، دارا بودن چار چوب و یکپارچگی ساختاری، دوام و پایانی نسبی، پویایی و انطباق پذیری، وجود هنجارها و ارزش های مدون و غیر مدون موردشناسایی قرار می گیرند، که ایجاد هماهنگی و ثبات، تعمیق همبستگی ملی و جامعه پذیری سیاسی، به عنوان مهم ترین برآیند و کارکرد ووظایف آن محسوب می شود. به عبارتی می توان گفت: همبستگی ملی در مفهوم عام، محصول کارکرد و تعامل متناسب مردم، دولت و نهادهای اجتماعی است و با مفهوم مشروعیت پیوند ناگسستنی دارد.

مقدمه

تحولات شتابان جهان معاصر، تغییر در منابع و ماهیت قدرت، مشروعیت، نگرش ها و رویکردها، افزایش تعاملات فراگیر ملی، منطقه ای و بین المللی، به ویژه تحولات گسترده در سطح منطقه و کشورهای همسایه، موضوع همبستگی ملی و انسجام اجتماعی را به یکی از دل مشغولی ها و اولویت های جامعه سیاسی ایران مبدل ساخته است. در حالی که وفاق، وحدت، یکپارچگی و انسجام اجتماعی، مفاهیمی باریشه های تاریخی چند هزار ساله و به قدمت حیات اجتماعی بشر هستند؛ همبستگی ملی مفهومی است جدید که از زمان شکل گیری دولت های ملی در دو قرن اخیر پدیدار شده است. این در حالی است که همبستگی ملی در مفهوم عام، محصول کارکرد و تعامل متناسب مردم، دولت و نهادهای اجتماعی است، که حذف و بدکارکردی هر یک از نهادها، به کل همبستگی ملی خلل وارد می سازد و باعث ایجاد مانع در راه توسعه می شود. در نتیجه تقویت نهادهای اجتماعی در جهان جهانی شده به عنوان اساس همبستگی ملی، کارایی بهتری در مسیر توسعه و پیشرفت خواهد داشت.

الف. زبان و همبستگی ملی

زبان پارسی و همبستگی ملی ایران همواره در تاریخ تحولات خویش، از دورترین روزگاران، سرزمین تیره ها و تبارهای گوناگون بوده است. همه این تبارها و تیره ها که گاه زبان ها و پاره فرهنگ هایی گوناگونی نیز داشته اند، در پهنه ایران زمین در کنار یکدیگر می زیسته اند. آنچه این تیره ها و تبارها را به یکدیگر پیوند داده، زبان و فرهنگ فراگیر ایران بوده است. این زبان، که زبان پارسی دری است، زبانی است نغز و دلاویز، چنان زبان فراگیر دیوانی و فرهنگی و ادبی، در سراسر ایران زمین و دربرهه هایی از تاریخ در پهنه ای از گیتی گسترش و روایی یافته و به گونه ای جهان شاهی شگرف فرهنگی را پدید آورده است. در روزگار ما نیز زبان پارسی دری، با هر دید و داوری، همان رشته پیوند است که تیره ها و تبارهای ایرانی را در پهنه ایران زمین به یکدیگر پیوند می دهد. در این روزگار پر آشوب که روزگار گسستن ها است، بیش از هرزمانی به پیوند و همبستگی و یکپارچگی نیاز داریم. از همین روی باید زبان پارسی را که استوارترین رشته پیوند و نیرومندترین و کارسازترین ابزار همدلی و همبستگی مان است، پاس بداریم.

سیاست زبانی در روند جهانی شدن

با توجه به گسترش بی سابقه زبان انگلیسی متعاقب پدیده جهانی شدن، تأثیر آن بر جنبه های گوناگون زندگی در جوامعی چون ایران قابل تأمل است و این مسئله به عنوان چالش جدیدی برای کشورهای غیرانگلیسی زبان قابل طرح است. با توجه به بررسی تجربه سایر کشورهای آسیایی در خصوص این موضوع، این سؤال به ذهن متبادر می شود که سیاست زبانی ایران، در این رابطه چه نقشی می تواند ایفا کند؟ چگونه دولت ایران توانسته یامی تواند ساختار هویت فرهنگی - ملی خود را حفظ کند و همزمان به یک زبان خارجی که حاوی ارزش ها، فرهنگ ها و سنت های متفاوتی است، اجازه عرض اندام و پیشرفت می دهد؟ در پاسخ باید گفت: سیاست های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران درخصوص جهانی شدن، در عرصه فرهنگ و در مدار ملی، حکایت از آن دارد که باید به زبان خارجی به عنوان مهارت مورد نیاز و نه عامل هویت برانداز نظر داشت. از این رو کاربرد آن در جامعه به گونه ای باید مهار شود که هویت ملی به مخاطره نیفتد.

با توجه به آنکه مدیریت یا سیاست زبانی، شکلی از دخالت زبانی است که در سطح ملی، در خصوص اولویت های زبان تصمیم می گیرد و ناگزیر از تکیه بر ایدئولوژی های زبانی به عنوان باورهای زیربنایی است. بر برنامه ریزی صریح و دقیق زبانی و بر ارزش های فرهنگی - اسلامی و نیز بر نقش ابزار زبان انگلیسی به عنوان زبان میانجی با نگاهی به تجربه دیگر کشورها تأکید می شود.

لهجه ایرانی زبان آذری و نقش رسانه ها در تقویت و تضعیف آن با توجه به مطالب گذشته، سؤالاتی که قابل طرح است این است که آیا زبان های محلی، از جمله زبان آذری تحدیدی برای همبستگی ملی ایرانیان است؟ یا اینکه برای تعریف و تقویت هویت ملی ایرانیان باید زبان های محلی، از جمله زبان آذری تضعیف، تحدید یا حذف شود؟ نقش رسانه های ملی، به ویژه صدا و سیما به عنوان یک رسانه ملی در بهره گیری از ظرفیت های زبان آذری و متون موجود در آن در جهت تقویت انسجام ملی ایرانیان چگونه است؟ در جواب باید گفت: لهجه مردم تبریز به عنوان لهجه و نماد ایرانیان در زبان آذری مورد توجه است؟ تقویت لهجه - و مکتب ادبی - تبریز در مقابل لهجه - و ادبیات باکو در زبان آذری در نهایت منجر به تقویت وحدت ملی ایرانیان شده و موج تهاجمی واژگان وارداتی از جمهوری آذربایجان را به چالش خواهد کشید. لذا عدم توجه به این مقوله، منجر به تعریف غیر رسمی گرامر، فونوتیک به رواج شیوه نگارشی که در سال های اخیر با الگو برداری از الفبای کریل و لاتین در مطبوعات مناطق آذری نشین در حال رواج و تثبیت است، باعث ظهور موج جدیدی با عنوان تغییر الفبا از الفبای فارسی (برای زبان آذری) به الفبای لاتین و یکسان سازی الفبا در آذربایجان واحد مطروحه از سوی عناصر تجزیه طلب خواهد شد.

بنابراین نقش رسانه های مکتوب، مطبوعات محلی، نویسندگان و روشنفکران آذری زبان، صدا و سیما و شبکه های استانی این رسانه در این میان قابل توجه است و عدم توجه به این موضوع، ادبیات مکتوب غیر رسمی را در سال های آتی ایجاد خواهد کرد، که در نهایت، در کنار شیوه جدید و در حال رواج، اندیشه های تجزیه طلبانه را نیز در میان قشر تحصیل کرده و نیز عامه مردم رواج خواهد داد.

ب. آموزش و همبستگی ملی

هویت و همبستگی ملی کتاب های درسی آموزش و پرورش در شکل دهی به هویت ملی هر ملت در مقام رکنی اصیل از ارکان هویتی کشورها، نقش بی بدیلی به عهده دارد. تحلیل و بررسی علمی مواد به کار رفته در نظام آموزشی و شیوه ارائه آنها به طور مستقیم و غیر مستقیم و نیز بسامد کاربرد هر یک از مؤلفه های اصلی و فرعی نسبت به یکدیگر، موضوع بررسی کارشناسانه است. مقایسه این مؤلفه ها با یکدیگر و جریان عمومی فرهنگ کشور، ابزار مناسبی برای ترسیم نقشه کلان سیاست فرهنگی هر کشور خواهد بود. برخی نویسندگان در راستای موضوع حاضر به تحلیل و بررسی شانزده جلد از کتاب های درسی تاریخ، جامعه شناسی، زبان و ادبیات فارسی، رشته های علوم تجربی، علوم انسانی، ریاضی و فیزیک در مقطع متوسطه پرداخته و از این طریق به دنبال بررسی انعکاس مؤلفه های هویت ملی و مصادیق آن بودند. بنابراین با فهم جایگاه مدرسه و نظام آموزشی می توان گفت: متمرکزترین و پرداخته ترین فعالیت در راستای تقویت یا تضعیف مؤلفه های همبستگی ملی، احساس تعلق و هویت در کتب درسی آموزش و پرورش است که امری قابل توجه است.

کتاب درسی دوره ابتدایی و همبستگی ملی

دوره ابتدایی، در مراحل مختلف آموزش و پرورش، نقش اساسی و بنیادی در تربیت افراد دارد. این دوره، کودکانی را شامل می شود که در سنین شش تا ده سالگی قرار دارند. حافظه نیرومند، علاقه وافر به یادگیری، کنجکاوی جهت دار و هدفمند، الگو برداری و تقلید از دیگران و تمایل به ارتباط با دیگر کودکان و همسالان، از جمله ویژگی های کودکان در این دوران است. در دوران ابتدایی، میزان تأثیر پذیری و یادگیری کودکان بسیار بالا است و در برنامه آموزشی دوره دبستان، برای ایجاد همبستگی ملی تأکید فراوان شده و کتب درسی آن به گونه ای تدوین و طراحی شده که مطالعه و آموزش آنها روح همبستگی ملی و جمعی را در بین دانش آموزان ایجاد و تقویت می کند. به گونه ای که شاهد هستیم برای تحقق این هدف، در کتب درسی دوره ابتدایی، فصلی به مسائل ملی - میهنی اختصاص یافته، که در آنها به صورت مستقیم بر ایجاد همبستگی ملی تأکید شده است.

با این همه، مطالب کتب درسی دوره ابتدایی و برنامه آموزشی دوره ابتدایی در جهت تحقق همبستگی ملی به حساب می آید که اصلاح آنها می تواند هر چه بهتر و بیشتر به تحقق اهداف آموزشی مورد نظر در ارائه دروس مرتبط با موضوع همبستگی ملی کمک کند.

ج. رسانه و همبستگی ملی

صدا و سیما به عنوان نهاد اجتماعی، رابطه ای دو سویه با جامعه دارد، از یک سو از روندهای موجود در جامعه تأثیر می پذیرد، که با این حساب متغیری است وابسته به جامعه که تابع تحولات و روندهای

اجتماعی است. از سوی دیگر، در جامعه تأثیر می‌گذارد و به صورت متغیری مستقل عمل می‌کند، که نه تنها تابع روندها و تحولات اجتماعی نیست، بلکه بر آنها تأثیر می‌گذارد و به سمت و سوی مورد نظر خود هدایت می‌کند.

سیمای جمهوری اسلامی ایران، به عنوان فراگیرترین و پرمخاطب‌ترین رسانه در داخل کشور، نقش بسیار حیاتی در چگونگی ساخته شدن واقعیت اجتماعی، از جمله در چگونگی تعریف روابط میان گروه‌های اجتماعی در ایران بر عهده دارد.

فایده تلاش جهت فهم بازنمایی‌های رسانه‌ای در ایران و تحلیل تصاویر رسانه‌ای گروه‌های قومی در سیمای جمهوری اسلامی ایران؛ نخست فارغ از اینکه سیاست‌های رسانه‌ای همانند سیمای جمهوری اسلامی ایران درباره قومیت‌ها تا کنون چه بوده و چه تغییراتی کرده است. آگاهی از ادراک اعضای قومی می‌تواند شناخت بهتری از مشکلات رسانه مذکور در قبال قومیت‌ها به دست دهد و مسئولان آن رادر سیاست‌گذاری بهتر یاری کند.

دوم، چنین مطالعه‌ای، گامی در جهت فهم نظری فرایند شکل‌گیری هویت‌های اجتماعی محسوب می‌شود که در نتیجه تأثیر این نهاد بر روندهای اجتماعی و تقویت جریان‌های همگرایانه در جامعه، برای ایجاد همبستگی ملی از کارکردهای این نهاد اجتماعی ناشی می‌شود، که عبارتند از:

الف - ایجاد روح جمعی و خود آگاهی ملی؛

ب - هماهنگ‌سازی هنجارهای اجتماعی؛

پ - یکپارچه‌سازی فرهنگی؛

ج - تقویت روند جامعه‌پذیری و اجتماعی شدن؛

د - ترسیم چشم‌انداز و ایده‌آل‌های مشترک.

د. دین، مذهب و همبستگی ملی

از جمله آموزه‌های مهم دین برای رسیدن جامعه به توسعه و پیشرفت، دستور به همبستگی اجتماعی و انسجام ملی است.

در میان منابع اجتماعی اسلام، شاید کمتر منبعی را بتوان یافت که به همبستگی و انسجام اجتماعی و گروهی نپرداخته باشد. همبستگی اجتماعی به عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های ارتباط اجتماعی و مبنای کنش انسانها به شمار می‌آید.

خدای سبحان با نصب کعبه توسط ابراهیم و زنده کردن آن توسط پیامبر اسلام (ص) مکانی را مقرر کرد تا تمامی مسلمانان بر گرد آن حلقه زده و با طواف در اطراف کعبه مقدس، اعلام کنند که همت و هدف همه مسلمانان در راستای کلمه توحید است و همه در یک مسیر گام برمی‌دارند. تجلی وحدت اسلامی، از جمله مسائلی است که همواره در هنر اسلامی جلوه‌گری کرده و این ادعا در بررسی بسیاری از هنرها، از جمله نگارگری اسلامی مشهود است.

در نتیجه باید گفت: آیین‌های مذهبی، واقعیت‌های اجتماعی‌ای هستند که نقش انکارناپذیری در جامعه دارند و می‌توانیم آن را به عنوان مایه همبستگی جامعه در نظر بگیریم. آیین‌های مذهبی زاینده مناسب بوده و مناسب، احساس مذهبی را ایجاد، تقویت و تجدید می‌کنند و حس همبستگی ملی را تشدید کرده و شرکت‌کنندگان را به اهمیت گروه و جامعه در قالب آیین‌های مذهبی آگاه می‌سازند.

و. سیاست و همبستگی ملی

سیاست‌گذاری‌های هویتی در جمهوری اسلامی ایران سیاست‌گذاری‌های هویتی، یکی از محوری‌ترین حوزه‌های سیاست‌گذاری در هر نظام سیاسی در چارچوب چشم‌انداز نهایی همبستگی و اتحاد ملی است.

اهمیت چنین حوزه‌ای، از آن جهت است که استمرار حیات هر نظام سیاسی در گرو خط‌مشی‌ها و راهبردهای انسجام و همبسته‌سازی است که در ارتباط با مبانی هویت جامعه قرار گیرد. سیاست‌گذاران در این زمینه می‌کوشند با جلوگیری از تبدیل تفاوت‌ها به عاملی برای تفرقه، تجزیه و از هم‌گسیختگی اجتماعی، حفظ همزیستی مسالمت‌آمیز و ایجاد رویه‌های آشتی‌گرایانه و مشروع به خواسته‌ها و تقاضای افراد و گروه‌های اجتماعی پاسخ دهند. ایران کشوری با تنوع فرهنگی است و از این رو، تدوین سیاست‌های ویژه‌ای برای مدیریت چنین جامعه‌ای ضرورت دارد. در این راستا، سرشت نظام سیاسی، جایگاه و نقش مردم، تلفی‌ها و نگرش‌های سیاسی - ایدئولوژیک، ساز و کارهای رسمی و غیررسمی تعبیه شده در مدیریت و سیاست‌گذاری‌های هویتی می‌تواند نقش قابل‌ملاحظه‌ای داشته باشد.

جایگاه هویت و همبستگی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دو مؤلفه ایرانیت و اسلامیت، چنان در یکدیگر در آمیخته‌اند، که مهم‌ترین تحولات اجتماعی و سیاسی در ایران تحت تأثیر برآیند آنها بوده است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر دو عنصر ایرانیت و

اسلامیت، ادیان، مذاهب و اقوام حتی خرده فرهنگ های محلی را نیز به رسمیت می شناسد و در عین حال، زبان و خط فارسی رامشترک ملت دانسته و به آنها رسمیت می بخشد. مطالعه قانون اساسی نشان می دهد این اندیشه در قالب اصول مختلف این قانون به عنوان منظومه هویتی ایرانیان تدوین شده است در سه اصل دوازدهم، سیزدهم و چهاردهم اعتقاد قانونگذار به تکریدینی و مذهبی را روشن می سازد و مذاهب گوناگون در آن به رسمیت شناخته شده و حقوق فرهنگی برای پیروان آنها در نظر گرفته شده است، یا اینکه اصل یازدهم تجلی گاه نگاه قانون گذار به جهان اسلام است. اصل هفده و هجده نیز نمادهای ایرانی و اسلامی را در کنار یکدیگر قرار می دهند. بدین ترتیب بر پایه آموزه های قرآن و سنت و اصول کلی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛ از قبیل مساوات، عدالت، برادری و همبستگی، حکومت ایران مکلف به تأمین حقوق همه شهروندان شیعه و سایر مذاهب و ادیان است.

هـ. اجتماع و همبستگی ملی

نقش نهادها و آیین ها در همبستگی ملی ایران پس از انقلاب اسلامی نهادها و آیین هایی که در میان جوامع شکل می گیرند، دارای اهمیت کارکردی هستند. آنها از یک سو، نشان دهنده نیاز و ضرورت کارکردی خویش و از سوی دیگر منعکس کننده میزان اهتمام و آگاهی مردم نسبت به آنها هستند. ایران پس از انقلاب و نظام جمهوری اسلامی، از جمله جوامع و نظام های سیاسی است که با وضعیتی نوین رو به رو شده است. انقلاب هادر نوع ساختاری، باعث تغییر ساختاری جامعه شده و با ارائه الگوهایی جدید در عرصه های مختلف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، تحولاتی عظیم به بار می آورند و در نتیجه همبستگی ملی را در وری آن شاهد خواهیم بود، که به نوعی برخاسته از شعارها و نیازهای اجتماعی مردم هستند.

جایگاه گردشگری در تعمیق همبستگی ملی

ایجاد همبستگی ملی از چنان اهمیتی در جوامع کنونی برخوردار است، که دولت ها برای نیل به آن، تمامی تدابیر و روش ها را به کار می گیرند. در این راستا توجه به کارکردهای مهم حمایت از توریسم داخلی، که به تقویت وفای ملی و بساط انسجام و همبستگی عمومی می انجامد، خالی از اهمیت نخواهد بود. با این فرض که اگر ایرانی از عظمت فرهنگی و تمدنی خود بی اطلاع باشد، کمتر قادر به دفاع از هویت ملی و فرهنگی خود خواهد بود، صنعت گردشگری به عنوان یکی از ابزارهای فهم عینی و ملموس عظمت فرهنگی و تمدنی کشور ارزیابی می شود. به عبارت دیگر، مناسب ترین الگوی سیاست هویتی برای جامعه ایرانی، سیاست وحدت در تکر است که روش اجرای سیاست وحدت درکثرت، ماهیت فرهنگی دارد و این مهم، از طریق گسترش روابط یا گفت و گوی بین فرهنگی حاصل می شود که گردشگری می تواند یکی از اشکال آن باشد.

ی. اقتصاد و همبستگی ملی

با توجه به ابعاد و جنبه های مختلف توسعه، از جمله اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی می توان بر همبستگی و اتحاد ملی به عنوان پشتوانه مهم در جهت رسیدن به توسعه تأکید کرد. در واقع، رسیدن به توسعه بدون همبستگی و مشارکت فعال در فعالیت های مختلف غیرممکن است. به عبارتی یکی از لوازم برنامه ریزی در دنیای جدید، توجه به مشارکت فعال و اثر بخش همه جانبه افراد جامعه در تمام ابعاد مختلف توسعه است. در این میان شاهد آشکار شدن نقش بارز مشارکت اجتماعی و اقتصادی در سطوح مختلف جامعه هستیم، که به صورت همبستگی کارکردی که به عنوان مهم ترین شکل همبستگی در نظام های اجتماعی مدرن است و بر الگوی بازار یا کنش عقلانی معطوف به هدف مبتنی است جلوه گر می شود. در این راستا می توان به کار آمدی دولت و تأثیر سیاست های خصوصی سازی و کوچک کردن حجم دولت و نقش آن بر همبستگی ملی با توجه به سرمایه اجتماعی اشاره داشت.

نتیجه

امروزه نهادهای اجتماعی براساس ضرورت های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و با ویژگی هایی، از قبیل هدفمندی، دارا بودن چارچوب و یکپارچگی و... منجر به همبستگی ملی می شوند. این نهادهای توانمند به صورت زبان، آموزش، رسانه، دین و مذهب، سیاست، اجتماع، اقتصاد ظهور یابند و هر کدام بر مبنای نیازهایی که بر اساس تفکر و جایگاه خود تشخیص می دهند، در نهایت همبستگی ملی را ترویج و شکاف های اجتماعی و آنچه که شکاف در مسیر توسعه و وحدت ملی قرار دارد را تا حدودی ترمیم نمایند.